



۲۰۱۶/۱۰/۲۸



عبدالجلیل جمیلی

از هر جا سخنی

بخش سوم

در مورد عطا محمد نور در دیدار با پادشاه عربستان

پیام آفتاب مورخ ۲۸ میزان ۱۳۹۵ / ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۶ - با نشر فوتوی زیر - در مورد عطا محمد نور» در دیدار با... از حضور عطا محمد نور در صف اول جلوگیری می کند



دوستان با فضیلت و ارجمند! در جمله دو سطری بالا جهان سر افکندگی نهفته است که در قدم اول خجالت و شرم ساری اش به داگتر دبل بنده رئیس اجرائیه دولت نامتجانس و سپس به عطای بی نور هیچ مدان! میرسد. ولی همه ما و شما هم به مفهوم - نخورده از آتش - کور می شویم از دودش - به نام افغانیت بی داغ نمی مانیم! عبدالله که در شش سال وزارت خارجه داری نفهمید که پروتول و طی مراتب افغانی و امور بین المللی آن چیست؟ اولاً در مدت محدودی؛ وزارت امور خارجه را سرای چوب شکنی و حلاجی ساخته و ریکارد کدر مامورینش را که به صورت یقین از ۵۷۴ نفر سابق - از وزیر امور خارجه گرفته تا تمام کدر داخلی و نمایندگی های سیاسی به شمول سفراء تجاوز نمی کرد به بیشتر از ۲۵۰۰ نفر رسانده و از عقارب و اقارب خود گرفته تا اهل و بیت هر جهاد پیمان و وزیر و وکیل را / نه تنها در کدر مرکز وزارت و بلکه مستقیماً در نمایندگی های سیاسی در خارج / لیبیک گفت. در حالیکه در دور ریاست جمهوری داؤد خان شهید بدون پذیرفتن یک نفر اضافی و یا مقرر کردن به خارج از وطن در نمایندگی های سیاسی - بار دیگر و جدی موسسه دیپلوماسی سابق را که در زمان وزارت امور خارجه شهید سردار محمد نعیم و تحت نظر مرحوم دوکتور عبدالحکیم طیبی - مدیر امور ملل متحد و روابط بین

المللی وزارت امور خاجه آن وقت فعال شده بود - با قبولی ۳۴ نفر فارغان جدید پوهنخی های حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد و ادبیات تحت تربیه علمی استادان و کدر منور پوهنتون کابل برای سه سال طوری قرار دادند که چه از نظر علمی و چه از لحاظ وظیفوی مأموریت دوزوی هر دو ماه نوبتی در هر یک از شعبات داخل وزارت و طی امتحان مکمل علمی ۳۲ نفر شان بعد از سه سال و برای یک دور سه ساله به تمام نمایندگی های سیاسی افغانستان در خارج مقرر شدند که در آن جمله یک نفر محمدزائی/ آغای همایون شاه آصفی فرزند مرحوم احمد شاه خان آصفی وزیر دربار سلطنتی برادر اندر مرحوم علیا حضرت ملکه حمیرا ظاهر - با تحصیلات عالی ماستری از فرانسه بود - که ایشان هم در انتخابات اخیر ریاست جمهوری به حیث بازو و معاون عبدالله خان آغا عرض وجود کردند!

مگر شهید محمد داؤد خان از اهل و بیت فامیل خود به احدی فرصت شامل شدن را در وزارت امور خارجه ندادند - به شمول محترم محمد نادر نعیم که واجد تمام شرایط کاری برای وزارت امور خارجه بودند! و اما روح عرض مطلبم درین است که آن جوانان با وجود تحصیلات عالی هیچ یک شان راساً به خارج مقرر نشدند و بلکه در تمام جریان سه سال - عضو دفاتر مرکز بوده و محض دو ساعت اخیر پنج روز رسمی هفته را در موسسه دیپلوماسی به صورت منظم درس می خواندند که یکی از مضامین علمی و عملی شان برای سه سال امور پرتوکول و دیپلوماسی بود.

ولی جهاد چوران پشاوروی و مشهدی که فقط از میل ماشیندار نان میخوردند و سکه بر زر میزدند؛ گروپی مصروف بوت پکی جنرال حمید گل و آی اس آی و دومی اش به موج ریش امام مبارزه می کردند که از دیپلوماسی و پرتوکول



تا ستر جنرال مودرن امروز

عطا جان معلم ژولیده دیروز

هیچ بهره ای نداشتند، ولی وقتی که باد و باران آمد و خدا مراد خوشه چین ها را داد و با برگشت قافله جهاد پیمایها و اراکین و مربوطین شان سر قافله شدند و پسر مرحوم نور محمد پل علمی لوگری/ یعنی **ع. ش ستر جنرال عطا محمد خان نور جهاد پیمای** که مصروفیت پدر مرحومش خریداری پوست های حیوانات ذبح شده قصابان مزار بود متوجه شد که منم موجاخید و کل اختیار! با این وجنات دیروز و امروز!

و خدا مجددی صاحب رئیس دولت موقفی را نگیرد که از کرم ستر جنرال ساختن/ عبدالرشید دوستم/ کدو را هم آب داد و عطا جان را هم ستر جنرال ساخت.

اما بیچاره عبدالله جان رئیس ارکان رهبر مقاومت و عقده دار ارگ نشینی! هنوز نمیداند که یک معلم بکلوریا پاس ستر جنرال شده از میل ماشیندار را با سفر رسمی یک هیأت عالی و علمی عالی شان دولت چکار؟ آن بیچاره که در سایه یا دنباله جمعیت وجود خود را تجسم میکند و جوکره هایش فرمان بردارش! چنین قیاس میکند که خر کاری

هم دریای علم است!! و همسفری رسمی جهانی را مستحق! ولی بعد از خطای نا بخشودنی متوجه شد که از زیر آب و عرقش چه بر آمد و البته شرمش به عبدالله ثر افشان هم رسید که حال نمیداند این بینی بلندی!! خود را چطور جبران کند؟ در حالیکه عبدالله آغا باید درک می کرد که ننگش برای دولتی که همه ارکانش چیز مدان نیست! و وزرای با فهم همسفر که از موقف خود تجاوز نکردند قصور رئیس معظم اجرائیه جمعیت به چه قیمت تمام شد؟ که نباید می شد و یا ممکن از سابقه دولت داری سر بلند افغانستان و ادوار تاریخ بسیار غنی و دیرینه عروج های جهان کشائی و همچنان افتخار تاریخی ملت افغان که نسبت بر اعراب بادیه نشین و برده های بوکنگهم بسیار چربی میکند خبر ندارند که حتی ملت افغان بی قصور؛ هم امروز از حرکات جلف و ناشیانه این بی نوری که افتخار بخش شورای داکتر صاحب – این پند را از شاعر دانشمندی با گوش و هوش کامل بیاد دارید که:

دشمن دانا بلندت میکند بر زمینت میزند نادان دوست!

داکتر صاحب عبدالله خان به نمونه ای از گنجینه چشم و چراغ جمعیت توجه کنید:

بخش نخست – نوشته استاد صباح: / مورخ ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۶ را از سویدن که تحت عنوان زیر بشما عرضه میشود

ملکیت های دولتی و شخصی چگونه و وسیله چه کسانی چپاول گردید؟؟؟

« قابل توجه آقای داکتر اشرف غنی احمدزی ریس جمهور کشور »



ناگفته نماند که سایت وزین لوی افغانستان مورخ ۱۴ می ۲۰۱۴ عین مطالب را تحت عنوان

نست مختصر از دارایی های استاد عطا محمد نور تنها در ولایت بلخ

نیز به نشر رسانیده است

و اینهم تبصره مقدماتی استاد صباح: آنانکه با هزاران تذویر و ریا قصرها بنیاد نهاده اند، باید بدانند کسانی که قبل از اینان با ریختن خون هزاران انسان به مکتب رسیدند چه شدند؟ و مگر از آنان اثری است؟، و مطمئن باشید که شما نیز پاینده نخواهید بود.

بلی! لوی افغانستان هم می گوید که جایاد های عطا محمد نور والی بلخ تنها در ولایت بلخ نزدیک به یک میلیارد دالر (هزار میلیون دالر) می رسد. این دارای ای است که نه از پدرش برایش میراث مانده و نه هم از مجرای تجارت به دست آورده بلکه در ده سال گذشته با استفاده از پست دولتی همه را به غارت برده است.

آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو بچه کرد و شیر آرام گرفت

بهرام که گور می گرفتی همه عم دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

این هم لیست دارایی های والی بلخ عطا نور که یک‌عده مردم را با چند چهار راهی اسپیک دار، چراغ دار و گلدار که آنهم بالای تاجران جبراً ساخته شده فریب داده و خودش سرمایه ملت را در این مدت از طریق عواید گمرکات و دیگر امکانات حکومتی مانند اژدها چوشیده.

مناطق را که ما به شکل درجه بندی در مزارشریف یاد آور می شویم، تبلیغی نیست بلکه یک حقیقت است که هر کس می تواند از مناطق ذکر شده دیدن نموده و در مورد آن بررسی نماید. بر اساس معلومات از املاک مزار شریف و بعد از بررسی ها بدست آوردیم که والی بلخ تنها در شهر مزارشریف با قبالة شرعی بیش از ۵۰۰ جایداد دارد که یا به نام خانمش، پسرانش و یک دخترش ثبت شده است. بر علاوه اینها، چندی پیش یک شرکت بزرگ را در هند خریداری نمود.

به همین سبب این اشخاص اینقدر تند و احساساتی اند که با آمدن حکومت قانونی و مردم به محاکمه کشیده خواهند شد و از تمام دارایی اش یک‌یکه یک‌یکه ملت سؤال خواهد نمود.

۱:- شهرک خالد بن ولید: این شهرک که از جانب والی بلخ عرضه گردیده و هم اکنون ۶۰۰۰ نمره اش به فروش رسیده او هر یک نمره این شهرک از ۸۰۰ دالر گرفته تا ۲۰۰۰۰ دالر قیمت دارد و درین اواخر ده ها هزار دالر بلند رفته است.

۲:- باختر مارکیت، زیر زمینی که ۲۰۰ دوکان دارد.

۴:- به نام عجب خان یک مارکیت اسبق که هم اکنون کار سرش جریان داره و گفته می شود که بیش از ۵۰۰ دوکان در آن اعمار خواهد شد که ملکیت شخصی خانواده والی دانسته شده است.

۵:- نور بزنس سنتر که ۸ طبقه و ۱۰۰ دوکان دارد.

۶:- مارکیت ادویه فروشی که مقابل شفاخانه موقعیت دارد.

۷:- کلینیک لایزری نور.

۸:- در منطقه دروازه بلخ شرکت تیل نور.

۹:- شهرک میترا نور که بیش از ۴۰۰ خانه دارد.

۱۰:- مقابل شاروالی مزار یک مارکیت ۱۰ منزله که کارش جریان دارد.

۱۱:- شرکت ترانسپورتی میترا نور که بیش از ۳۰۰ موتر باربری کاماز دارد.

۱۲:- در منطقه سینمای اسبق مزار مارکیت آریا که بیش از ۱۰۰۰ دوکان دارد.

۱۳:- در شاهراه مزار کابل سرای میترا نور.

۱۴:- در مناطق مختلف شهر مزارشریف پمپ استیشن های خالد نور

۱۵:- یک خانه به نام مولانا در جوار قوماندانی امنیه.

۱۶:- خانه چهار طبقه ای که همین حالا زیست می نماید به ارزش ۲ میلیون دالر ساخته شده.

۱۷:- منزل دوطبقه ای به نام دفتر سیاسی که در دروازه بلخ موقعیت دارد.

۱۸:- سرای که عقب منزل اختر ابراهیم خیل که استگاه شولگره در آنجا موقعیت دارد.

۱۹:- یک بلند منزل در عقب ولایت در کوچه قاضیان شهر مزارشریف.

۲۰:- یک بلند منزل که عقب لیسه سلطان راضیه قرار دارد و باری یک کلینیک بکرایه داده شده ثبت به نام خانمش.

۲۱:- مؤسسه خصوصی آریا - مزار شریف که احمد ضیا مسعود نیز در آن شریک می باشد دارای منزل ۵ طبقه ای.

۲۲:- شرکت سرک سازی خالد نور که در سرای مهمان مزار موقعیت دارد مارکیت خود والی است.

۲۳:- دو شفاخانه به نام های مولانا جلال الدین و الفلاح.

۲۴:- مارکیت سینافر که بیش از ۴۰۰ دوکان دارد.

۲۵:- ذخیره های تیل در شهرک بندری حیرتان، شرکت وارداتی تیل به نام انترنشنل، شراکت با کمال نبی زاده - تلویزیونی به نام آرزو، یک پرودکشن به نام شمال، تلویزیون میترا، شرکت بیل بوردها بهنام بلهیکا که تمام قرارداد های شاروالی را منحصر به خود ساخته و این چنین مارکیت ها و شرکت های دیگری که دریافت لیست مکمل آن کار دشوار خواهد بود.

چیزی که ما در فوق ذکر نمودیم آن معلوماتی است که از ریاست املاک و ادارات دیگری بدست آمده است و آن ملکیت های است که تمام مردم از آن آگاهی دارند و یک حقیقت روشن است. و نه گندگی باج خواهی اش به جایی رسیده که در ماه حوت سال (۱۳۸۸) نزدیک به نوروز سال نو کسی در تاشکند از کمال نبی زاده رئیس شرکت نبی زاده و تلویزیون «آرزو» که دوست و شریک نهایت صمیمی کار و بار عطا است می پرسد، چرا با وجود «امنیت» در مزار سرمایه گذاری نمی کنید؟ در جواب می گوید «نمی خواهم برای زخم شریک بگیرم!» مختصرترین جوابی است از یک بورژوا که می داند چی معنی دارد غیر از اینکه در تمامی امور با استاد شریک است. اخیراً خریداری کشتی باربری، سرمایه گذاری و انتقال پول به خارج کشور مخصوصاً به بانک های امارات و دبی و قطر و اروپا او را به یکی از غول های سرمایه در افغانستان بدل کرده است.

استاد صباح می افزاید - تصمیم ما نباید به اساس تعصب باشد بلکه دست به وجدان گذاشته باید تصمیم بگیریم که با روی کار آمدن عبدالله تمام این سرمایه ملت از طرف عبدالله برای شان مانند شیر مادر حلال بخشیده خواهد شد ولی ملت هرگز فراموش نخواهد کرد و بالاخره یخن اینها را خواهد گرفت، البته که پس از بیداری از خواب غفلت!

باید بفهمید! کسی باخود در قبرستان هیچ چیزی را نمی برد (کفن هم حیب ندارد) و به قول معروف خوشبخت با کفن و بدبخت بی کفن می رود و همانطوری که دیدید یاران و شریک های تنظیمی و پیدا و پنهان تان چون:

برهان الدین ربانی، احمد شاه مسعود، قسیم فهیم، مولوی محمد نبی، یونس خالص، حاجی قدیر، جنرال داوود، رسول پهلوان و غفار پهلوان، سید مصطفی کاظمی، احمدولی و حشمت کرزی .. باخود چه بردند؟ پس بیش ازین دفتر اعمال خود را سیاه تر و به جرم و جنایت خود نیافزائید. و اگر شما چپاولگران به روز آخرت و به بازپرسی الهی ایمان دارید به دربار رب العالمین توبه نمایند و مردم را دوباره به حشش برسائید و بدانید که خداوند بخشاینده و مهربان است.

نوت : چون لیست استاد صباح خوب طویل است و مشمول یک تعداد چهره های معلوم الحال دیگری که دور از مطلب ماست - ازین رو در اینجا تنها به جفاهای مشتم نمونه خروار همین سترجنرال اکتفا کردم و بس!

دوستان گرامی! در اینجا به صورت مختصر و نمونه در مورد فهم و درایت و روش قابل قدر مؤظف تشریفاتی دولت امیر شیر علی خان برای استقبال و مهمانداری هیأت اعزامی الکساندر دوم امپراتور روس به افغانستان/ سال ۱۸۷۸/ را عرضه میدارم با اتکا به اثر تاریخی / دوکتور یاورسکی/ و سپس رئیس هیأت روس تزاری به دربار کابل تحت عنوان **سفارت روسیه تزاری بدربار امیر شیر علی خان** با ترجمه دری آن که توسط دانشمند مرحوم افغان استاد عبدالغفور برشنا - اشاره مختصری دارم که همان دوکتور روسیه تزاری/ با مکلفیت وجدانی که داشته/ می نویسد که

با داخل شدن به خاک افغانستان از طرف هیأت تشریفاتی و نماینده امیر افغانستان استقبال شدیم و در رأس هیأت افغانستان جوانی بود مؤدب و با وقار که از روز اول ورود به خاک افغانستان در تمام دور اقامت و تا روز خروج ما از همان نقطه سرحدی - به صورت منظم با ما بوده و آنقدر مؤدب و با درایت و رموز فهم و با نزاکت بود و به دو لسان پشتو و دری مسلط که هرگز او را فراموش نمیکنم ولی باید گفت که در جریان همه آن ایام و خاطرات هرگز در نیافتیم و جرأت هم نکردیم که معلوم کنیم که او از کدام شهر و ولایت افغانستان و منصوب به کدام قوم بوده و حالت مدنی او چیست؟

اما امروز بیچارگی افغانستان قرن ۲۱ با داشتن دولت نمونوی جهان؛ این نمایش رئیس الوزرای دولت بی کفایت و پوا کم مارشال جمعیت چنان پیشانی ما را به خاک سیاه و سر افگنی جهانی رسانده شد که حد ندارد در حالیکه: امروز افغانستانی که تعداد جنرالانش اقلأ ۳ برابر همسایه ها / بجز چین / خواهد بود و یکی از سر تاجانش همین ستر جنرال عطا خان نور است و اما عملش ننگ افغانیت! و در ۳۴ ولایت کلان و هم پشت ناخن مکان ما - جناب دوکتور معظم چشم ما فقط آغای نور را در حالی قابل احترام و معتبر می شمارند که در اطراف ریاست اجرائیه عطای دوستان شان! ۳۴ والی و ۳۴ معاون ولایت و جمع غفیری مشاوران / که مرض ساری نو حکومتداریست! / دارند و باور کنید که در زمره آنها یک تعداد شانرا می توان معلم امور دیپلوماسی برای تنویر مجدد جناب نور جمعیت گمارد - مثلاً یکی ازین والی صاحبان را که در دور مأموریت در کانادا زیاد دیده و شناختم و همیشه با سفارت ما در تماس بودند و خود شان داوطلبانه برای خدمت مردم خود به وطن برگشته و از تمام مزایای مأموریت ملل متحد در کانادا چشم پوشیدند جناب دیپلوم انجنیر محمد آصف رحیمی والی فعلی هرات می باشند که سوانح مختصر موصوف را از نشریه شبکه اطلاع رسانی افغانستان/افغان پیپر/ گرفته ذیلاً به شما پیشکش میکنم:

محمد آصف رحیمی به عنوان والی هرات تعیین شد

تاریخ انتشار: ۱۵ می ۲۰۱۵ - ۷/۲/۱۳۹۴	کد خبر: ۹۳۷۸۰	منبع: افغان پیپر	پرینت
-------------------------------------	---------------	------------------	-------

خبرهای رسیده حاکی از آن است که دیپلوم انجنیر محمد آصف رحیمی وزیر پیشین زراعت، آبیاری و مالداری کشور



محمد آصف رحیمی

به حیث والی هرات تعیین گردیده است. محمد آصف رحیمی وزیر زراعت، آبیاری و مالداری جمهوری اسلامی افغانستان در ولسوالی پغمان ولایت کابل دیده به جهان گشود.

تحصیلات ابتدایی را در مکتب میرویس هوتکی و ثانوی را در مکتب حبیبیه و تخنیک ثانوی را در شهر کابل تکمیل کرد و درجه لیسانس را در سال ۱۳۶۰ از فاکولته انجنیری پوهنتون کابل به دست آورد.

آصف رحیمی در سال ۱۳۶۸ درجه فوق لیسانس را در رشته اداره عامه و مدیریت برنامه های انکشافی و بازسازی از پوهنتون نبراسکای ایالات متحده امریکا به دست آورد.

موصوف چند سالی تا اخیر سال ۱۳۸۳ در یکی از مؤسسات بین المللی مربوط ملل متحد در کانادا در امور انکشاف دهات ایفای وظیفه کرده با برگشت بوطن مسئول برنامه همبستگی ملی در وزارت احیا و انکشاف دهات افغانستان شد.

آصف رحیمی در ماه ثور ۱۳۸۵ به حیث معین وزارت احیا و انکشاف دهات تعیین گردید و در ۳۰ ماه میزان ۱۳۸۷ بحیث وزیر زراعت و آبیاری و مالداری از سوی حامد کرزی رئیس جمهوری پیش کشور به پارلمان معرفی شد و بعد از اخذ رای اعتماد تا شروع کار دولت وحدت ملی در این پست ایفای وظیفه می نمود که درین اواخر بحیث والی هرات مقرر شد. آقای رحیمی به زبانهای دری، پشتو و انگلیسی تسلط دارد.

دوستان ارجمند! اکنون در حالیکه قضاوت را بشما واگذار می‌شوم سوالی هم از رئیس صاحب اجرائیه دارم که جناب دوکتور- اگر قرار شما باز هم بر دوام دولت عطای آی اس آی و ادامه حاکمیت استاد ربانی است؟ که خیر! و اگر ملت بینوای افغان را دست پاک خود نگفته و بنامش باز هم کلچه برای جمعیت نزده و نه عطا جان نور چشم جمعیت را و بلکه همین جوان منور مجرب والی هرات و امثال شانرا از جمع والیان انتخاب کرده و هم سفر خود می ساختید- آیا شرمساری هم مانند این تشهیر جهانی بار می‌آوردید؟

و آقای دوکتور چشم! این گل اولی نیست که شما به آب داده اید و از قصور گذشته تان در دور وزارت امروزه نباید بگذریم که در زمان معرفی جنرال بسیار بسیار جوان سه ستاره ای عتیق الله بریالی / پسر خاله یونس آغای غانونی / معاون وزارت دفاع فیلد مارشال قسیم خان فهیم / بحیث سفیر افغانستان به کانادا آن هم کاری کردید که بینی بلندی تان! در امور روابط دیپلوماسی از معیار گذشته بود!؟

یقیناً خوب بیاد دارید که شام روزیکه در سال ۲۰۰۳ جناب دگر جنرال را بوزارت خارجه خواسته و معرفی اش را بحیث سفیر آینده افغانستان به او ابلاغ فرمودید و آن جناب از همه جا بیخبر- سر از پا نشناخته به درایورش هدایت داد که پشت درب منزل سفیر کانادا برود. با دق الباب وی وقتی به سفیر کانادا خبر دادند که یک دگر جنرال نظامی افغانستان وقت ملاقات می‌خواهد شما را استقبال کرد و در منزل خود پذیرفت و اما وقتی جنرال صاحب شما مطلبش را عنوان کرد و گفت که فردا فوتوهای خود فامیل را برای صدور ویزه می آورم و بزوردی عازم کانادا می شوم - سفیر کانادا فوراً درک کرد که کسی که مقابل اوست آهی از دیپلوماسی به جگر ندارد و یک فورم و نشاندار نظامی هیچ میدان است و بس.

او با کلام ساده و دلسوزانه برایش گفته که جنرال صاحب شما باید درین مورد با وزارت خارجه خود مشوره می کردید که / به اصطلاح سفیر شدن مانند حلوا گفتن و دهن شیرین کردن نیست / و در اخیر برایش گفته که با کمال معذرت اگر میدانستم که شما برای این مطلب آمده اید اصلاً شما را بمنزلم استقبال نمی کردم و چون سفیر مذکور



همه حقایق را بدولت خود رسانده بود - با وجود خواستن اگریمان او و یاددهانی در ۶ تا ۸ ماه دولت کانادا آنقدر مراجعات شما را لاجواب ماندند که با الآخره به عدم پذیرش او یقین حاصل کردید ولی و اما باز هم از زیر باران برخاسته زیر ناودان نشسته در عوش کاری کردید که فقط با کوتاهی سخن نا واردی را به ملوسی تعویض کردید که بر شیطان ملعون لعنت باید گفت و خوب میدانید که چه می‌گوییم!

این است جناب دگر جنرال شما!

اما شبکه اطلاع رسانی افغانستان (افغان پیپر) مؤرخ ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۳ تحت عنوان / قراردادهای وزارت دفاع بدست کیست / مینگارد:

عتیق اله بریالی که درجه جنرالی از دوستان خود در وزارت دفاع را گرفته، تمامی قرار داد های وزارت دفاع را بلعیده است. از شروع حکومت تا فعلاً این شخص قرار داد های وزارت دفاع کشور را از پشت پرده و به واسطه برادر زاده خود و قادر بخشی چپاول می کند.

با قرار گرفتن وزیر دفاع ملی بسم اله محمدی، بریالی خان دو نفر را تعیین کرد، یک وکیل خان رئیس دفتر، دوم رئیس اکمال خریداری! اینها تمامی قراردادهای وزارت را از خود ساخته اند.

در پشت پرده این قراردادها چه کسانی نشسته اند و پول های سرشار و گزاف اردوی ملی را به جیب می زنند، روشن است که همه تروریستان حرفه ای هستند.

ادامه دارد

